



یکی از جهاتی که ما را در مقابل شاه قرار داده است، کمک او به اسرائیل است.

شعاف

ماهنامه سیاسی/اسال دوم/شماره شانزدهم
انجمن اسلامی دانشجویان دانشجویان دانشجویان

مدیر مسئول: مژگان صلاهی
سردبیر: فاطمه علیزادینیا
هیئت تحریریه: مرضیه انبری، زینب رستگار پناه
مژگان صلاهی، فاطمه علیزادینیا، مریم مقدم،
ویراستار: پریسا تیموری
صفحه آرا: بهار سعیدی

آنچه بی‌تعارف خواهید خواند:

- ۱ عاشقانه لیلی
- ۲ داستان خرید خانم مرکل
- ۲ حقوق بی بشر
- ۳ جمشید بسم الله بازار ارز
- ۳ ترکیب اسلامیت و جمهوریت
- ۴ روانشناسی مقتدی صدر
- ۴ فتنه اکبر در راه است
- ۴ جاسوس بازی



عاشقانه لیلی

طی چندین روز گذشته در تیتیر خبرهای واصله از قدس این جمله که «لیلی هشت ماهه کوچکترین شهید کشتار غزه» به شهادت رسید، هر انسان آزاده ای را در فکر فرو می برد.

دو واژه بیشترین جوشم می آید: لیلی، هشت ماهه

آن کسی که دلدادۀ اباعبدالله هست ودلی را در صحرایی به نام کربلا جا گذاشته و با ظلمی عظیم و این چنین بزرگ را می بیند یاد شهیدی که تقریباً همنام لیلی بوده در این صحرا می افتد. علاوه بر وجه اشتراکی که اشاره شد یک وجه اشتراک دیگری نیز وجود دارد شهادت به دست شقی ترین ها در جهان که این شهادت را تبدیل به بغضی گلوگیر می کند. شاید هم اصلاً احتیاج نباشد که دلدادۀ باشی همین که انسان باشی برای درک این ظلم کافی است. خون شهید از جوشش نمی افتد مخصوصاً اگر این شهید شیرخوار باشد و دختری تازه چشم به جهان گشوده جهانی پر از ظلم و جور و بی عدالتی، جهانی که داعیه داران عدالت در آن جای جلا و شهید را عوض می کنند بدون اینکه آب آّب تکان بخورد. شاید این شعر زبان حال غزه را بهتر از هر عبارتی بیان کند.

غزه امروز است قربانگاه عشق
کشته قومی گشته بر درگاه عشق
عشق آزادی، وطن خواهی، خدا
عشق برقدهسی که گشت از ما جدا
غزه امروز است همچون کربلا
قتلگاهش پر شده از کشته ها

شمر اولمرت است ومشعل چون حسین(ع)
عاقبت پیروزمی گردد حسین

اما اگر به شهادت لیلی از زاویه ای دیگر نگاه کنیم شاید ما را یاد داستان عاشقانه لیلی ومجنون می اندازد آیا این بار لیلی پیدا شده که عاشقانه ای در وصف شهادت بسراید؟ اما این بار قصه متفاوت است لیلی مجنون می شود ومجنون می کند مجنون آرمان آزادی مقدس ترین مکان ها، قدس

شاید لیلی با شهادتش این جملات و اشعار را زمزمه کرده است وعاشقانه اش را اینگونه سروده است: وجب به وجب خاک فلسطین من، بوی پر جبرئیل می دهد؛ قدمگاه پیامبران بوده است روزی؛ دریغا که بزمگاه نمرد و شود و رزمگاه فرعون با خون و زخم، «قبه موسی» هنوز هست

سخن مهمان - بدعهدی کدخدا

رهبر انقلاب در سخنان اخیر خود با اشاره به بدعهدی های آمریکا و اروپا در تعاملاتشان با ایران، شروطی را برای تیم مذاکره کننده برجام به صورت علنی اعلام کردند.

اما ذکر چند مطلب به نظر حقیر بسیار ضروری است:

۱- یک هیات بی طرف از سوی شورای عالی

امنیت ملی بررسی کند که تیم برجام تا چه اندازه شروط معظم له را در موضوع مذاکرات هسته ای رعایت کرده است و اگر قصوری بوده است افراد مقصر مؤاخذه و محاکمه شوند.

۲- تمام مکالمات تیم مذاکره کننده به دقت کنترل شود تا شاهد حوادث تلخی مثل مذاکره جناحی آقای ظریف با آقای البرادعی در اوایل دهه ۸۰، یا صحبت های جناب ظریف در شورای روابط خارجه آمریکا، یا آنچه ختم موگرینی در مورد اصرار تیم مذاکره کننده ایرانی برای گنجاندن یک جمله در مقدمه برجام برای بهره برداری سیاسی جناح حاکم در انتخابات ایران افشا کرد، نباشیم!

۳- همه شروط امام خامنه ای (مدظله العالی) مهم و اساسی است و نقض هر کدام باعث ابطال شروط دیگری شود و تیم بی طرفی (البته نه این بار هم تحت نظر جناب روحانی) برای نظارت استصوابی بر تیم مذاکره کننده تشکیل شود!

۴- وزارت محترم اطلاعات با رصد و پایش اوضاع تیم ایرانی و احیاناً مانند مورد «دژی اصفهانی» و رخنه اطلاعاتی و بهره برداری سرویس ها، سعی کند این بار در مذاکرات با اروپا دوباره با چنین معضلی روبرو نشود. بی شک همکاری نتگانتگ با مجموعه اطلاعاتی نیروهای مسلح می تواند به اشراق اطلاعاتی بهتری منجر شود.

۵- مخالفین و منتقدین برجام بسان فقره ناکام برجام باز با سعه صدر و تحمل فشارهای رسانه ای غرب و جبهه داخلی متمایل با آن دوباره با رعایت مصالح کشور نقدها و توصیه های خود را باز با تیم مذاکره کننده در میان خواهند گذاشت که امیدواریم حامیان مغرور برجام ناکام در کوره راه مذاکره با کشورهای اروپایی متحد با آمریکا از نظرات منتقدان بهره مند شوند!

در آخر اگر چه همه می دانیم که مذاکره با اروپای متحد با آمریکا اتلاف وقت و گران بهای ملت ایران و عبقری اقتصاد است ولی برای تیم مذاکره کنند ایرانی آرزوی موفقیت داریم.

مقصودی



• شما بدانید که گرایش اشرافیگری، آن چیزی نیست که بشود با قانون و با دادگاه و با بازجویی و با امثال اینها علاجش کرد؛ خیلی سخت‌تر از این حرف‌هاست. این از جمله موقلاتی است که بایستی فضای عمومی کشور - احساسات مردم، خواست مردم و به تعبیر رساتر ، فرهنگ عمومی مردم - آن را دفع کند تا این علاج شود.



• سازمانهای خود ساخته آنها از محتوا خالی بوده و در حقیقت مجری احکام و مقاصد آنان و مأمور محکوم نمودن مستضعفان و مظلومان جهان به نفع قدرتهای بزرگ جهان خوار هستند.



داستان خرید خانم مرکل



خانم مرکل هم مثل هر یک از مقامات سایر کشورها همواره با محافظ جابجایی شود. اما داستان چند عکس منتشر شده از او در یک فروشگاه چیست؟

عکس اول در روزنامه آلمانی "بیلد" برای اولین بار به عنوان خرید سال نو منتشر شده و به ستایش مردمی بودن مرکل پرداخته. روزنامه از قول فروشنده سوپر مارکت نقل کرده که صدر اعظم آلمان در سال ۲۰۱۶، ۳۰ بار به همین سر و شکل از آنها خرید کرده. البته همیشه دو یا سه محافظ اطرافش حضور دارند. (خرید بدون محافظ هرگز وجود نداشته است و در عکس پایین این پست دو نفر محافظ بالباس سیاه واضح هستند)

روزنامه دلیلی اکسپرس انگلیس همین تصویر را منتشر کرده و با توجه به اینکه بلافاصله بعد از حمله تروریستی برلین انجام شده اینطور تعبیر کرده که این یک حرکت تبلیغاتی برای آرام کردن افکار عمومی و منتقدانی بوده که معتقدند آلمان ناامن شده و مقصر اصلی خانم مرکل و سیاستهای مهاجر پذیری او هست. [مثل قذافی که برای آرام نشان دادن طرابلس در طول انقلاب های منطقه بمصاحبه های خود را در کافه هایی با حضور ظاهری مردم عادی برگزار می کرد!!]

عکس دوم مربوط به یک سایت روسی هست و از قول یک دانشجوی آلمانی نقل میکند که مرکل را زیاد در این فروشگاه نه چندان ارزان میبیند و تعریف کرده که چطور صدر اعظم را تعقیب کرده تابییند چه چیزهایی می خرد.

عکس سوم باز هم مربوط به یک تالار گفتگوی روسی _ آلمانی هست که گفتند این عکسهای خانم مرکل بیشتر شبیه یک حرکت تبلیغاتی برای نشان دادن یک چهره مردمی از مرکل هست. "کسی که نه فقط در ساعات کاری بلکه در خارج از ساعات کاری هم مسئولیتهاش را فراموش نمی کند." در سایت یک رادیوی روسی که به آلمانی برنامه پخش میکند این گفت و گوی بین کاربران روسی در مورد صدر اعظم آلمان را با عنوان "تبلیغات شکست خورده" باز نشر شده است.

با توجه به اینکه عکس های منتشر شده مربوط به یک فروشگاه های خالی و بدون مشتری است ؛ بیشتر این احتمال تقویت می شود که این فروشگاه ها از قبل برای یک حرکت نمایشی هماهنگ شده باشند. حرکتی که به هدف کسب محبوبیت یا اثبات امنیت جامعه طرح ریزی شده اند. امنیتی از نوع آلمانی که دوباره به آن اشاره خواهیم کرد!!!



و محکوم است. هر چند ناگفته پیداست که وضع تحریم های ظالمانه به این بهانه علیه مردم کشورمان ، حاصل پدیده های کاملاً سیاسی و بی پایه بوده است. حال به برخی از محورهای اصلی حقوق بشر می پردازیم و تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. یکی از محورهای اصلی حقوق بشر "ازادی عقیده" است اما برخلاف این واژه ، بانایان اولیه این حقوق، آن را وسیله ای برای اعمال دیکتاتوری و تحمیل ایندولوژی سکولار خود قرار داده اند به طوری که ابتدا باید آن عقیده مورد تایید آمریکا و اتحادیه اروپا باشد که در غیر این صورت کشور دارای این عقیده تحریم می شود.

از محورهای دیگر "حق حیات" است. در کشورهای همچون یمن، فلسطین، میانمار، سوریه و عراق صدها هزار انسان بی گناه توسط گروه های تروریستی ساخته شده توسط همین دولت های سلطه گر کشته شده اند. حال آمریکا به بهانه اعدام هایی که در ایران طبق قانون اساسی و برای قصاص مجرمان شکل می گیرد، جمهوری اسلامی را ناقض حقوق بشر میدانند. محور بعدی "استقلال" است که واقعیت آن زیر یوغ سلطه آمریکا و متحدان وی نرفتن است. از طرف دیگر جریان دموکراسی در ایران موجب متهم کردن کشورمان به نقض حقوق بشر شده است.

بهانه های دیگری چون سلاح های اتمی، آزمایشات موشکی و حمایت ایران از تروریسم دیگر اهرم های فشار بر جمهوری اسلامی گشته اند. در آینده نیز قطعاً ایشان به دنبال بهانه های جدید برای فشار به کشور ما خواهند بود اما به راستی چرا تا این حد سلطه گران بر فشار بر کشور عزیزمان مصر هستند و ظالمانه ترین تحریم های تاریخ را برای ما به ثبت رسانده اند؟ آن ها از چه چیزی می ترسند و چه منافعی از ایشان با ظهور جمهوری اسلامی به خطر افتاده است که تا این حد به تکاپو افتاده اند؟

این جریان ادامه خواهد داشت. راه ما تنها و تنها مقاومت و ایمان به نصر الهی است که «وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ» و «إِنْ تَتَّبِعُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُخْرِجَ أَعْدَاءَكُمْ».

حقوق بی بشر

"من قدرتمند هستم. من اسلحه دارم. من... پس همه باید به حرف گوش دهید". این جملات مثال سطح پایینی برای نشان دادن یک مرام و روش بود. مرام سلطه گری! کشور های صاحب قدرت تا قبل از قرن مدرن و پست مدرن برای تصاحب منابع و سرمایه یک کشور، به راحتی و آشکارا زورگویی می کردند و به هیچ وجه لازم نمی دانستند پاسخ گوی افکار عمومی و جامعه بین الملل باشند اما با گذشت زمان ، به دلایل مختلف از جمله قدرت گیری رسانه ، افزایش سواد عمومی و دلایلی مشابه آنها، دیگر روش ابتدایی و بسیط ایشان پاسخ گو نبود و سلطه گری راه جدیدی را می طلبید. در این زمان باید با ادبیاتی محترمانه و عملیاتی پیچیده تری به استثمار افکار می پرداختند و سلطه نوین را تاسیس می کردند.

یکی از راه ها این بود که کشورهای سلطه گر دور هم بنشینند و شروع به تاسیس سازمان های بین المللی ای کنند که خود ، ریاست آنها را بر عهده داشته باشند و گرگ ها به ریاست گله گماشته شوند. برای مثال بیانیه ی حقوق بشر را تصویب و امضا کردند و آنان که تا دیروز کارشان مکیدن خون شریان های حیاتی کشورها و مردمان آنها بود، داعیه دار حمایت از بشریت شدند. آری، طنز تلخی است ماجرای دنیای ما!

نقض حقوق بشر ، اهرمی کار آمد جهت فشار به دولت ها و مجبور کردن ایشان برای پیاده کردن آنچه که سلطه گران "حق" پنداشته بودند، با تعاریف و محک های مختص خودشان، شد.

به این بهانه آمریکا به عنوان سردمدار نظام سلطه و پارلمان اروپا به عنوان تابع آن، مجموعه ای از تحریم ها را بر علیه ایران وضع نمودند. حال آنکه پر واضح است عملکرد ایشان، خود نقض حقوق بشر است. به قول معروف صدرش به ذیلش پناالتی میزند.

این سلطه گران ، مدعی هستند که ایران در زمینه های مختلف، حقوق بشر را مورد نقض قرار داده

جنایت و مکافات

پرل هاربر_ پرده دوم چیزی که از دید جاسوسان پنهان مانده ، از فضا آشکار می شود. ناوگان دریایی دریا سالار یاماتو برای طولانی ترین حمله تاریخ ، ژاپن را به مقصد پرل هاربر ترک می کند (با اجتناب از مسیرهای کشتیرانی مرسوم و در پهنه وسیعی از اقیانوس) و بدون دیده شدن تا فاصله ۴۴۰ کیلومتری هدف رسیدند. درست در فاصله مطلوب جنگنده هایشان (میتسوبیشی)

یک جایگاه استراتژیک بی عیب و نقص و فراتر از رادارهای عمو سام. این هواپیماها سریعتر از هر چیزی بودند که تا آن زمان استفاده شده بود، قدرت مانور باور نکردنی و دامنه بسیار زیاد از جمله ویژگی های این ماشین آدم کشی بود. با وجود این ، اهمیت این تکنولوژی به خلبانانی بود که سالها در جنگ حضور داشتند. خدمه ای و رزیده که تجربه ۱۰ سال جنگ را داشتند

علاوه بر این، آنها زمان زیادی را برای طرح ریزی این عملیات صرف کرده بودند. و بارها این عملیات را به دور از چشم جاسوسان، تمرین کرده بودند. بنابراین دلیلی برای شکست وجود نداشت. ۷:۵۵ دقیقه با بمباران عملیات توراتورا، اولین موج از بمب افکن ها از آسمان به زمین شیرجه می روند و سه ناو آمریکایی به آتش کشیده می شود.

در پایان روز تعداد کشته شدگان به ۲۴۰۰ نفر می رسد و ادوات از بین رفته عدد ۱۸۸ را رد می کند.

خبر این حمله رد آسا ، دومینووار ، جهان را در می نوردد و تحلیل ها آغاز می شود اما هیچکس از پشت پرده این جنایت آگاه نیست. پشت پرده ای که حتی نخست وزیر توجو هم از آن آگاه نبود و او را به مسلخ مرگ روانه کرد.

ادامه دارد...



anjoman_eslami_alzahra



حتی افراطی ترین فمینیستها نیز برخلاف تصورشان در حال زدن ضربه ای اساسی به «زن» هستند.



جمهوری اسلامی به این معنی است که قانون کشور را قوانین اسلامی تشکیل می دهد، ولی فرم حکومت اسلامی جمهوری است. به این معنی که مکتبی بر آرای عمومی است.



سقوط آزاد

در تمام تمدن های بشری از خانواده به عنوان اولین واحد سازنده جوامع یاد می شود هر چند با توجه به مکتب فکری محوری هر تمدنی کارکرد و جایگاه خانواده متفاوت است اما در تمامی موارد وجود این ساختار اجتماعی اهمیت دارد. ساختار قبیله ای در جوامع ابتدایی بیشتر بر ضرورت خانواده و پیوندهای خانوادگی و قومی تاکید داشت چرا که پیوندهای خانوادگی قوام و قدرت اجتماعی را برای افراد به وجود می آورد. با تغییر الگوی اقتصادی جوامع و تغییر نقش ها در خانواده به مرور شاهد تغییراتی در الگوی خانواده هستیم. تغییر الگوی تولیدی خانواده در جوامع صنعتی، ورود زنان به عنوان کارگران ارزان قیمت به کارخانه ها و ظهور جنبش زنان با شعار احقاق حقوق از دست رفته ی زنان همه به نوعی در تغییر مفهوم خانواده نقش داشته است. نگاه به خانواده به عنوان نهادی که علاوه بر ساختار طبقاتی جوامع سرمایه داری و یا نظام پدرسالاری حاکم، بستری مناسب برای بهره کشی از زنان است، هر چند با ظهور فمینیسم مارکسیسم به اوج خود رسید اما همچنان طرفدارانی دارد که مدعی هستند زنان بیشترین آسیب را در ساختاری اجتماعی به نام خانواده متحمل میشوند. در این میان فمینیسم موج دوم نیز با بیان نظریه ی خویشتن مالکی و تلاش برای آزادی سقط جنین کوشید تا بستری را برای زنان فراهم کند که بدون بندها و کلیشه های فرهنگی غالب در جامعه سنتی روابط جنسی آزاد را تجربه کنند و نه تنها وحشتی از مادر شدن نداشته باشند بلکه با تکیه بر تجربه ی جنسی که داشتند در لذت بردن همجنسان خود از روابط جنسی نیز سهیم باشند و در این مسیر فمینیسم های رادیکال با حامیان همجنس گرایی در یک صف مبارزه قرار گرفتند. با گذشت چند دهه از ترویج تفکر خانواده گریزی در جوامع شاهد بروز ناهنجاری هایی در ساختار این جوامع هستیم. از جمله اثرات تحمیلی این تفکر بر جوامع تولد کودکان نامشروع است. هر چند دولت ها با راهکارهایی مانند خانواده ی موقت به دنبال حل این مساله هستند اما به قول برائیس کریستنس «اگر سیاستمداران همه تلاش خود را برای بهبود شبکه خانواده موقت صرف کنند اما بیماری همه گیر فرزندان نامشروع را مهار نکنند، در واقع هیچ کار واقعی برای سعادت بچه ها نکرده اند» و مساله ی اصلی همین است. طبق گزارش سند جهانی خانواده سال ۲۰۱۴ بالاترین آمار کودکان نامشروع مربوط به کشور کلمبیا با ۸۴ درصد و کمترین

آن مربوط به هند با ۱ درصد است در این سند از آمار موجود نتیجه گیری میشود این آمار ارتباط مستقیم با فراگیری فرهنگ ازدواج دارد. در جوامع آسیایی که ازدواج فراگیرتر است و خانواده جایگاه خود را در ساختار اجتماعی از دست نداده است شاهد معضل کودکان نامشروع نیستیم. تولد کودکان نامشروع علاوه بر آثار حقوقی که برای این کودکان در پی دارد هزینه های زیادی را اعم از هزینه های مادی و اجتماعی بر جوامع تحمیل میکند. به نظر میرسد آنچه از سقوط خانواده در بیشتر کشورهای غربی حاصل شده است غیر از تولد کودکان نامشروع و سرنشست مبهم آنان دستاوردی دیگری نبوده است تاجایی که کشورهای آمریکایی و اروپایی سیاست های خانواده محور و تشویقی برای تحکیم خانواده را در صدر برنامه های خود قرار داده اند. سوال اینجاست منشأ اشتیاق برخی در داخل کشور برای استفاده از فرهنگ دست چندم این کشور ها که در میان خودشان منسوخ شده است چه کسی و یا کسانی است و تا کجا باید راه کج رفته ی کشورهای دیگر را بارنگ و لعاب تجدد و منورالفکری به خورد جامعه ی ایرانی داد؟

ترکیب اسلامیت و جمهوریت



شاید هنوز هم بعد از چهل سال از آن روز بهاری متفاوت که مردم به جمهوری اسلامی رای آری دادند، صحبت کردن درباره ی ای فحوی این دو کلمه سخت باشد. "جمهوری اسلامی" را می گویم چرا که از سوی غرب زدگان نامانوس تلقی می شود زیرا پیوند ولی فقیه که ضامن اسلامیت حکومت است، با جمهوری که مانع از هرگونه دادن اختیارات دائمی به افراد می شود را بی معنی می دانند و از سوی طرفداران ولایت مطلقه فقیه، جمهوریت، تحمیلی بر امام راحل عنوان می شود.

این مدل از حکومت که در سال ۵۸ در ایران آغاز شد، مدلی است که تقریباً بر هیچ تجربه ی تاریخی استوار نمی باشد و فصل جدیدی از پیوند دین و سیاست را به بشریت عرضه می کند.

اکنون ذکر چند نکته درباره خدمات متقابل جمهوریت و ولایت فقیه لازم است.

مسئله ی نخست اینکه جمهوریت یعنی حکومت مردم بر مردم و مردم قادر باشند کارگزاران را انتخاب کنند. نهضت های دینی که پیش از انقلاب ۵۷ ایران رخ دادند مثل تشکیل حکومت دینی در سودان به رهبری مهدی سودانی، به دلیل کنار گذاشتن مردم از مشارکت، دوام چندانی نداشتند. حال حکومت اسلامی آمده تا مفاهیم اومانیستی را که می گویند مدار قانون گذاری، انسان است، کنار بزند و بر این نکته پافشاری کند که قانون از جانب شارع مقدس است و بنا به روایات معصومین، در عصر غیبت، فقیه جامع الشرایط نگهدارنده ی احکام دین است. حال این پرسش مطرح می شود که در تعریف جمهوریت هیچ کسی اختیارات دائمی ندارد. ما می گوئیم در این جمهوری که قرار است بر مدار اسلام باشد، مردم مسئولین را انتخاب می کنند، نه آن فقیه که قرار است ناظر بر اجرای اسلام در حکومت داری باشد. به هر جهت، عوام قرار نیست اسلام شناس را نیز انتخاب کنند، هر چند با سازوکار مجلس خبرگان ایشان نیز

به نحوی در این امر شریک هستند. مسئله ی بعد، رابطه ی طولی جمهوریت و حکومت اسلام است. اولاً، مادامی که جمهوریت اجرا نشود، حکومت اسلامی که حقی تغییرناپذیر است، به فعلیت واقع رخ داد و بیست و پنج سال به طول انجامید تا حکومت اسلامی واقعی را مردم تحقق بخشند. ثانیاً، جمهوریت این امکان را فراهم می آورد تا تمام بار حکومت بردوش ولی فقیه قرار نگیرد. سازوکار فعلی جمهوری اسلامی، یعنی هر دو سال یک انتخابات، مردم را در قبال تصمیمی که برای آینده خود گرفته اند، مسئول می سازد.

شبهه ی دیگری که مطرح میشود این است که آیا دوران جمهوری اسلامی با وجود برخی انتخاب های اشتباه به سرآمده؟ پاسخ این سوال این است که چنانچه در طی این چهل سال برای یک بار انتخاباتی جابجا می شد یا به حد نصاب نمی رسید، پایان مقبولیت جمهوری اسلامی قابل قبول به نظر می رسید ولی متوسط، هر سال یک انتخابات با مشارکت بالا، نوید مسئله ی دیگری را می دهد. هر رای در صندوق ها در رای است. یک: انتخاب فلان شخص از فلان گروه. دو: گفتن آری دوباره به نظام و سازوکار های حکومت اسلامی. حکومتی که برخی افراد در یک دهه ی گذشته نهایت سعی خود را برای انجام انقلاب به اصطلاح مخملی ولی در واقع خونین و براندازی نظام نمودند اما اکنون جهت حفظ حیثیت خود مجبور هستند بر بار طرفداران خود را دعوت به حضور پای صندوق های رای بکنند!

پی نوشت: رجوع شود به مقاله "جمهوریت یا اسلامیت" شهید سید مرتضی آوینی و مقاله "جمهوریت" وحید جلیلی



جمشید بسم الله بازار ارز

اکنون که شروع به نوشتن می کنم حال بازار ارز، یکی از عوامل تاثیرگذار بر معیشت مردم، خوب نیست. قلب بازار متورم شده و قیمت ارز به پشتوانه ی پنج سال بی تدبیری، افسار گسیخته است و هیچ لایحه ای حتی فرمان تک نرخی شدن ارز، کافوری بر این درد نخواهد بود.

چندی پیش از رسیدن قیمت دلار به ۶۰۰۰ تومان، اسحاق جهنگیری در نقش منجی بازار، مقابل دوربین ها حاضر شد و تک نرخی شدن ارز را اعلام کرد. سپس ارز دولتی با ۵۰۰ تومان افزایش قیمت به ۴۲۰۰ تومان رسید و قرار شد ارز به قیمت آزاد خرید و فروش نشود ولی این تصمیم از حصار کاغذ خارج نشد و شرایط واقعی به گونه ای دیگر رقم خورد. روز کارگری که گذشت، یادآور نبرد همیشگی این قشر مظلوم با روزگار برای نان شب بود. قشری که پیامبر مكرم اسلام (ص)، بر دستانشان بوسه می زد و ایشان را وعده ی بهشت می داد. دیروز، مردانی برای میدان جنگ باید سلاح گرم حمل می کردند اما امروز، همان جنگ همان کارخانه لوازم خانگی است. اسلحه همان خودکار ایرانی است. نقشه جنگ همان تدابیر اقتصادی است.

به مناسبت فرمایش مقام معظم رهبری مبنی بر این که اتاق جنگ فعلی علیه ایران، نخرانه داری آمریکا است، می خواهیم دلایل واقعی تب بازار ارز را بازگو کنیم. نرخ دلار در طی چهل سال انقلاب همواره روند صعودی یا رکود داشته است. به طور خلاصه نرخ دلار آزاد، در چهار دولتی که بعد از رحلت امام

تشکیل شدند، به این صورت بوده است:
۱- اکبر هاشمی رفسنجانی:
سال ۱۳۶۸ - ۱۲۰ تومان / سال ۱۳۷۶ - ۴۷۸ تومان
۲- سید محمد خاتمی: سال ۱۳۷۶ - ۴۷۸ تومان / سال ۱۳۸۴ - ۹۰۴ تومان
۳- محمود احمدی نژاد: سال ۱۳۸۴ - ۹۰۴ تومان / سال ۱۳۹۲ - ۳۲۰۰ تومان
۴- حسن روحانی: سال ۱۳۹۲ - ۳۲۰۰ تومان / تا به امروز در ابتدای سال ششم ریاست جمهوری وی ۱۳۹۷ - بین ۶۰۰۰ تا ۷۰۰۰ تومان

طبق آنچه تحلیلگران اقتصادی می گویند، چند عامل در نوسانات ارزی نقش دارد که برخی به داخل کشور و برخی به خارج از کشور مرتبط است. از عوامل خارجی می توان به تحریم U-Turn اشاره کرد که در سال های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸، آمریکا با متهم ساختن بانک صادرات ایران به انتقال پول به حزب الله لبنان، این تحریم بانکی را اعمال نمود.

از آنجایی که دلار، ارز پذیرفته شده در معاملات جهانی است، با این تحریف ایران قادر نبود مثل سابق انتقال وجه مورد نظر را توسط بانک های اروپایی انجام دهد. سرنشست این تحریم هم اکنون در برجام نیز در هاله ای از ابهام وجود دارد و مادامی که رفع نشود جنگ ارزی بین ایران و آمریکا ادامه خواهد داشت و به سبب بی پشتوانه بودن پول آمریکا، این کشور برخلاف تعهدات خود در کنفرانس «برتون وودز»، هرگاه که بخواهد، با چاپ اسکناس و افزایش نرخ دلار به کشور ها تورم تزریق می کند در باب عوامل داخلی، بخشی از آن به کسری بودجه ارتباط دارد. به این معنا که دولت هرگاه با کسری بودجه (در اثر ریخت و پاش ها یا اختلاس) رو به رو شود، با افزایش رقم ارز در لایحه بودجه، معادل ریالی آن را افزایش داده تا درآمد زایی ارزی خود را بیشتر کند. موضوع داخلی دیگر ایجاد تعادل بین تقاضا و توزیع و تقاضا برای ارز از چند ناحیه است.

اول: واردات. مادامی که کالاهای مشابه داخلی وارد کشور می شوند نرخ ارز همراه با تقاضای وارد کنندگان افزایش می یابد. دوم: پروژه های داخل کشور به شرکت های خارجی سپرده نشود مثل جنگال غذای مسافران قطار که توسط آشپز اتریشی تهیه می شد و یا قراردادهای جنگالی توتال. بدیهی است این افراد حق و حقوق خود را به صورت دلار مطالبه می کنند که این خود تقاضای بیشتر ارز و بدهکار کردن کشور است.

سوم: خرید های دولتی از خارج از کشور است که نیاز به ارز دارد مثل ماجرای هواپیما ها که با وجود ناوگان حمل و نقل زمینی فرسوده، دولت تمایل دارد از راهبازی نکرده. همچنین می توان تلاش های دولت برای گرفتن وام از نهاد های بین المللی که خوشبختانه با معانعت رهبری مواجه شده است را اضافه کرد تا بیش از این کشور بدهکار نشود. در آخر باید به سیاست های غلط بانک مرکزی اشاره کرد که با هجوم مردم به صرفه های پول پاشی می کند و مردم به طمع خرید ارز با قیمت کمتر تقاضای خود را بیشتر می کنند. مجموع عوامل فوق، اراده ای دو سو به سوی دولت و ملت را جهت حل مشکل مطالبه می کند. اساساً هیچ مشکل اقتصادی بدون راه حل نیست اگر دولت و ملت ما دوباره جنگ تحمیلی را که این بار رنگ اقتصادی دارد باور کنند.

عراق با توجه جایگاه خود، قطعاً می تواند در مسائل منطقه تأثیرگذار باشد و باید از این ظرفیت بیش از پیش استفاده شود.



رمز پیروزی مسلمان در صدر اسلام، وحدت کلمه و قوت ایمان بود که یک لشکر ضعیف را بر امپراتوری های بزرگ عالم غلبه داد؛ ای مسلمانان جهان و ای پیروان مکتب توحید! رمز تمامی گرفتاری های کشورهای اسلامی اختلاف کلمه و عدم هماهنگی است و رمز پیروزی، وحدت کلمه و ایجاد هماهنگی است... همه برای اسلام و به سوی اسلام و برای مصالح مسلمین و گریز از تفرقه و جدایی و گروه گرایی که اساس همه ی بدبختی ها و عقب افتادگی هاست.



اخبار منطقه

مدیرعامل توتال فرانسه: با اعمال تحریم های آمریکا علیه ایران، هر گونه همکاری با خطر از دست رفتن دسترسی به سیستم های بانکی همراه است که توتال چنین ریسکی را نمی پذیرد.

با تأیید سنای آمریکا، سرشناسی گرج جنجالی با تأیید سنا اولین رئیس زن سیا شد.



شهر فراه در آستانه سقوط کامل شهر فراه، مرکز استان فراه در غرب افغانستان و هم مرز با ایران، در آستانه سقوط به دست تروریست هاست.

درگیری بسیار خونی در شهر در جریان است. در این شرایط حضور تروریست ها در مرز ایران اصلاً مناسب نیست. قطعاً اقدام عاجل مراجع ذی صلاح امنیتی لازم است خط قرمز نزدیک مرز ایران را باید سریع تر ترسیم و به تروریست ها تذکر جدی داد.



یک شرکت بزرگ دیگر از ایران رفت

"مرسک" بزرگترین شرکت کشتیرانی جهان اعلام کرد که همه فعالیت هایش در ایران را متوقف می کند

وزیر خارجه فرانسه:

اعمال تحریم های آمریکا علیه ایران، موجب قدرت گرفتن جریان تندرو در مقابل نیروهای میانه رو در ایران و تضعیف حسن روحانی، رئیس جمهوری می شود. سیاست های آمریکا در قبال ایران منطقه را به خطر می اندازد.

مدیرعامل شرکت توتال فرانسه:

تلاش های اتحادیه اروپا برای سرمایه گذاری در ایران با وجود تصمیم آمریکا برای اعمال تحریم علیه این کشور برای شرکت های بزرگ نفتی غیر ممکن است، چرا که این شرکت ها نیاز به دسترسی به نظام بانکی آمریکا دارند.

او کلکسیونی از تضادها و افراط و تفریط است. از جهت تجمع تعارضات، چندگانگی شخصیتی، تعاملی و رفتاری بسیار شبیه مصدق یا احمدی نژاد ماست. مقتدی نماد افراط و تفریط است و اصولاً از تعادل برخوردار نیست. او در کسوت روحانیت یکباره در هیبت ناسیونالیست ظاهر می شود. او با لباس پیامبر به سوی کمونیست ها دست دراز می کند. او در عین فرهنگ طلبگی ابایی ندارد که به مرجعیت شیعه هم بتازد.

او ممکن است چند ماه در قم ساکن باشد، اما سر از ریاض و قاهره و اربیل درآورد. او ضد آمریکایی است، اما جریانات جهادی عراق را که با آمریکا می جنگند هم قبول ندارد. یک روز بر تمایز خود و اطرافیان با همه تأکید می کند و یک روز بر لزوم وحدت و پذیرش همه جریانات عراقی در کنار هم سخن می گوید اما با مذهبیین که سال ها در کنار هم با صدام مبارزه کرده اند - ائتلاف نمی کند بلکه سکولارها و کمونیست ها را ترجیح می دهد.

او علیه ایران و حتی آیت الله سیستانی به رغم «تک مرجعی» بودن مکتب نجف می تازد تا ناسیونالیست جلوه کند اما همزمان در قم به دستبوس مراجع ایرانی می آید. او در اوج درگیری دولت عراق با داعش، مشغول درگیری با دولت بود و بار مضاعفی را بر آن تحمیل می کرد.

نیروهای نظامی وی در شهرک صدر بغداد رژّه مسلحانه برگزار کردند اما در قالب سازمان اختصاصی هیچگاه مقابل داعش نایستادند. (ممکن است افرادی از وی به صورت شخصی به حشدالشعبی پیوسته باشند).

او خود را وارث و خونخواه مرحوم پدر و عموهای شهید می داند اما گویی در علمای شهید عراق هم، طبقه بندی قائل است و شهدای خود را نسبت به شهدای دیگر حوزه علمیه نجف برتر می داند. او گاهی منتهی الیه عوام گرایی است و گاهی منتهی الیه روشنفکری. گاهی محور اختلافات در عراق است و گاهی می خواهد محور وحدت باشد. او نه به کسی تکیه می دهد و نه کسی می تواند او را تکیه گاه قرار دهد. او نه مخالف ایران است و نه با ایران دشمنی دارد.

او می خواهد دیده شود. جوان است و جویای نام. در جامعه عوام زده عراق و در حالی که بحران های مختلف درونی، این کشور را درگیر کرده و منجی و اسطوره طلب می کند، او به میدان آمده است.

اگرچه او به تنهایی قادر به تشکیل پارلمان نیست، اما ترجیح می دهد ائتلاف خود را خارج از تحالف شیعه قرار دهد. اگر قدرت را در اختیار گیرد تردیدی نداشته باشید که نماد حماسه و فاجعه ملی در عراق خواهد بود.

او اکنون مدعی پرچم داری عدالت و مبارزه با فساد است اما با صراحت در لباس روحانیت بر به قدرت رسیدن تکنوکرات ها اصرار دارد. او تعامل با خارج از مرزهای عراق را متفاوت از سیاست دولت قرار داد تا جذاب و متفاوت باشد.

او کلاً می خواهد با همه و از همه متمایز باشد. او نیاز به هل دادن ندارد چون در نقطه تعادل نایستاده است. مقتدی با همه تراژدی هایش نباید طرد شود. او فقط تاکنون یک ضد آمریکایی ثابت قدم بوده است.

هدف او از دیدار با بن سلمان خود فروشی نبود، عراق را هم نمی فروشد. فقط خواست بگوید من خارج از دو قطبی ایران - عربستان قرار دارم و بازیکن آزاد هستم.

او احمدی نژاد عراق است با همه محاسن، معایب، تضادها و تعارض ها. او جمع اضداد است. منتظر باشید و گذر زمان را ببینید.

و اداری به اعتراف کنند. ایستوک در ادامه از اعدام این زن روسی خبر داد

small_blue_diamond:

«الویرا» «کافر» اطلاعات مربوط به برادران و خواهران (جهادی) خود را به سرویس اطلاعاتی روسیه می داد. «این زن بی شرم، مودبانه اعتماد بندگان راستین الله را جلب می کرد و سپس مکان ها و ارتباطات آن ها را لو می داد و این گونه آن ها را به طعمه های راحت برای دستگاه اطلاعاتی روسیه تبدیل می کرد. به خاطر اعمال نفرت انگیز و روابط نزدیک او با FSB (سرویس فدرال امنیت فدراسیون روسیه) بسیاری از برادران و خواهران ما «شهید» شدند.» بنا بر این گزارش، الویرا بیش از یک بار توسط «مراجع تحقیقاتی» به اصطلاح خلافت داعش بازجویی شد: «اما هر بار او داستان هایی سر هم می کرد و واقعیت ها را به هم می پیچید. در گفتگو با بازپرسان، او همیشه دروغ می گفت و معنای حقیقی رویدادها را وارونه می کرد. گرچه برادران ما دلایل معتبری برای بازداشت وی داشتند، اما هر بار او را آزاد و به حرف هایش اعتماد می کردند.»

در این مطلب آمده است که الویرا آخرین بار به دلیل یک فایل صوتی به دست آمده از صحبت هایش با ماموران سرویس اطلاعاتی روسیه توسط اعضای داعش دستگیر شد. داعش حتی مدعی است که کاریه او برای نفوذ به داخل گروه حتی با یک داعشی با کنیه «ابومسلم» هم ازدواج کرده و بعد او را با سم کشته بود.

به بهانه پارلمان عراق

روانشناسی مقتدی صدر



اول شدن لیست منتسب به مقتدی صدر در انتخابات پارلمانی عراق، وی را به صدر اخبار کشاند اما رسانه های غربی و اصلاحات، تلاش می کنند علت رأی آوری وی را موضعش نسبت به ایران اعلام کنند و در پس این سخن، بی فایده بودن آن همه زحمت ایران در دوران داعش را گوشزد نمایند.

فراموش نکنیم که «ناموس تشیع» در عراق است و فراموش نکنیم که تکفیری ها تا چند صدمتری امامین عسکریین رسیدند و از سوی دیگر تا ۴۰ کیلومتری کربلا از استان الانبار جلو آمدند.

ایران برای دل خوشی مقتدی به عراق نفرت و الان هم چیزی به نام «حضور ایران در عراق» معنا ندارد. روابط معمولی ایران و عراق در جریان است اما رابطه ایران و عراق فراتر از عرف بین الملل، نظیر داد و ستد و منافع ملی است. اساس این رابطه با محوریت حسین (ع) است و با صادرات و واردات و فشار آمریکا و سعودی و... بالا و پایین نمی شود. اما در خصوص مقتدی صدر...

مقتدی شخصیتی ویژه دارد که قضاوت درباره وی به راحتی امکان پذیر نیست. چندوجهی بودن مشی و شخصیت وی نه بر اثر تدبیر، که جزو شاکله شخصیتی وی است.

سخن مهمان

توطئه جدید علیه امنیت ایران فتنه اکبر در راه است...

همین الان به کنفرانس خبری ترامپ - ماکرون گوش دادم. از برنامه «چهار ستونی» آقای ماکرون پیداست که قدرت های اروپایی توافق کرده اند که با ترامپ، روی یک برجام دوم سر ایران کار کنند. به نظر می رسد که آنها حتی با دولت روحانی هم در این باره هماهنگی هایی داشته اند. من از مدت ها پیش درباره این توطئه هشدار داده بودم. تهدید های تو خالی دولت و وزیر امور خارجه ای آن هم، که برای مصرف داخلی تنظیم شده اند، وضعیت را همانطور که ترامپ به روشنی گفت، برای ایران خطرناک تر کرده است. این برجام دوم، موشک ها، قدرت منطقه ای و سایر منابع قدرت ایران را هدف قرار داده است. آنها با حفظ تله برجام اول، تله دومی برای خلع سلاح ابدی و تضعیف غیر قابل تعمیر ایران در نظر گرفته اند.

همانطور که در گذشته بارها گفته و نوشته ام، ایران باید فوراً وزارت امور خارجه را از مذاکرات بعدی، اگر قرار است انجام شوند، کنار گذاشته و نظامیان را وارد میدان کند. آقای روحانی هم بهتر است اعلام کند که در مذاکرات بعدی سر برجام دوم دخالتی نخواهد کرد و شخص آقای خامنه ای مسئول شود. تا دیر نشده است باید جلوی تضعیف بیش تر و خطرناک کشور گرفته شود. اینجا دیگر جای مذاکره و دیپلماسی و لبخند به تنهایی نیست. از من گفتن و از آنها نشنیدن برای ثبت در تاریخ این پست را نوشتم.

امیر هوشنگ امیراحمدی، استاد دانشگاه راتگرز نیوجرسی، بنیان گذار و رئیس شورای ایرانیان-آمریکائیان

جاسوس بازی



«الویرا»

طبق ادعای داعش، در نتیجه مأموریت او چندین نفر از اعضای این گروه که هویتشان توسط این زن برای FSB افشاء شده بود، به درک واصل شدند. این ماجرا در یک مجله روسی زبان متعلق به داعش، منتشر شده است.

مقاله این نشریه روسی زبان داعشی، این مسأله را هم ذکر کرده که «کاریهوا» توسط «مراجع تحقیقاتی» گروه «مورد بازجویی قرار گرفته بود لیکن نتوانست آن ها را به بی گناهی خود قانع کند اما به ادعای این مجله، وقتی مسئولان اطلاعاتی گروه از «مانورهای فریب اطلاعاتی» استفاده کردند، نتوانستند به او رودست بزنند و وی را